ادامه از صفحه ۳

۳ دیپلمات با ۳ دیدگاه متفاوت در مجمع تشخیص مصلحت نظام

به نظر می‌رسد تخصص و سابقه سیدمحمد صدر در امر دیپلماسی و همچنین سابقه مبارزاتی او و خانواده‌اش پیش از انقلاب، در این انتصاب تأثیرگذار بوده است. از دیگر سو، تحولات عرصه بین‌المللی به‌ویژه چالش‌های موجود در منطقه، این ضرورت را ایجاب کرده که تعداد افراد صاحب‌نظر در عرصه دیپلماسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام افزایش پیدا کند و تخصص این دیپلمات بازنشسته در مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه جهان عرب، او را به‌عنوان گزینه‌ای مناسب برای حضور در این مجمع در معرض انتخاب قرار دهد.

از نگاه دیگر، با توجه به اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام مکانی برای تضارب آرا و بیان دیدگاه‌های مختلف است و همان‌طور که ترکیب اعضا نشان می‌دهد، تلاش شده سلایق متفاوتی در آن حضور داشته باشند، در عرصه دیپلماسی نیز به این موضوع توجه شده و اکنون در مجمع، سه فردی عضو هستند که در عرصه سیاست خارجی در چارچوب منافع و سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران، نگاه متفاوتی دارند. علاوه بر این، این سه نفر در طیف‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی به‌طور کامل و دقیق تعریف می‌شوند و به نظر می‌آید انتخاب سیدمحمد صدر، تحت رویکردی فراجناحی و با محوریت منافع و امنیت ملی انجام شده است. آقایان ولایتی و جلیلی شاید از نظر سیاست داخلی هر دو متعلق به یک جریان فکری و اندیشه‌ای باشند و در این زمینه اختلافات کمی داشته باشند؛ ولی در عرصه سیاست خارجی، دارای نگاه متفاوتی هستند که این تفاوت در مناظره‌های انتخاباتی سال ۹۲ به‌خوبی مشخص شد؛ چنان‌که علی‌اکبر ولایتی در مناظره سوم کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری به‌صراحت از عملکرد سعید جلیلی به‌عنوان سرپرست وقت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشور، به‌ویژه در مذاکرات «آلماتی»، انتقاد کرد و خطاب به او گفت: دیپلماسی بیانیه پشت میز خواندن نیست. اگر این‌طور نبود، وضع ما به اینجا نمی‌رسید. این سخن با واکنش جدی سعید جلیلی روبه‌رو شد و گزارش‌های رسیده به ولایتی را درباره این مذاکرات، نادرست عنوان کرد. سیدمحمد صدر، فرزند آیت‌الله سیدرضا صدر و برادرزاده سیدموسی صدر، یکی از نزدیکان فکری سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات است. او در زمان دولت شهید رجایی و در فروردین ۱۳۶۰، وارد دستگاه دیپلماسی کشور شد. از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸، معاون سیاسی وزیر کشور بود و سپس در دولت خاتمی معاون عربی - آفریقای وزارت خارجه شد.

حضور او در دولت محمود احمدی‌نژاد به علت انتقادات صریحی که به عملکرد سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم داشت، در این عرصه کم‌رنگ شد؛ ولی بعد از روی‌کارآمدن دولت روحانی و سپرده‌شدن مسئولیت وزارت خارجه به دوست قدیمی‌اش (محمدجواد ظریف)، به‌عنوان مشاور ارشد وزیر خارجه مشغول به فعالیت شد و حضور پررنگ‌تری در این عرصه پیدا کرد.

مرتضی سرمدی، همکار قدیمی او در دستگاه دیپلماسی و قائم‌مقام کنونی وزیر امور خارجه، در مراسم رونمایی از کتاب «انقلاب و دیپلماسی در خاطرات سیدمحمد صدر» که در اردیبهشت ۱۳۹۴ برگزار شد، در بیان ویژگی‌های این دیپلمات گفت: صراحت کلام و شهامت او در بیان دیدگاه با رعایت‌کردن چارچوب‌ها، از ویژگی‌های ممتاز آقای صدر است.

او ادامه داد: محمد صدر از ابتدای ورود به وزارت خارجه، مدیرکل اروپا و آمریکا بود و وظیفه بسیار سنگینی را بر عهده داشت. صدر در این خاطرات تلاش کرده است به‌هیچ‌وجه سعی نکند توجیه‌گر اقدامات خود در آن زمان باشد. او امروز از لحاظ دیدگاه، عملکرد و پختگی در جایگاه بسیار بهتری قرار دارد. بنا بر گزارش برخی از خبرگزاری‌ها، هادی سلیمان‌پور، رئیس وقت مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه، نیز در این مراسم در سخنان خود به بیان خاطره‌ای از دیدگاه مقام معظم رهبری نسبت به سیدمحمد صدر پرداخت و گفت: سال گذشته (۱۳۹۳) و در جریان برگزاری سمینار ملی سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشور، دیداری میان سفرا و مقام معظم رهبری برگزار شد. بر اساس یک رسم، قبل از حضور رهبر معظم انقلاب در میان سفرا، شورای مدیران وزارت امور خارجه در حیاط پشت حسینیه امام خمینی(ره) به پیشواز رهبر معظم انقلاب رفتند که در آن دیدار، دو اتفاق جالب افتاد؛ نخست اینکه حضرت آقا، خانم مرضیه افخم را با اسم خطاب و با گرمی با ایشان احوالپرسی کردند و ابراز داشتند از اینکه بانویی باحجاب کامل در محافل خبری و دیپلماتیک وارد شده است، ابراز رضایت دارند و در ادامه نیز با چهره‌ای باز به استقبال و احوالپرسی خاص با آقای صدر پرداختند و از آقای ظریف پرسیدند آقای صدر به وزارت خارجه بازگشته است؟ که آقای ظریف پاسخ مثبت دادند و ایشان نیز با مهربانی فرمودند که بسیار اتفاق خوبی است. دو کتاب «خاطرات سیاسی و دیپلماتیک از دولت اصلاحات سال ۱۳۷۶» و «دیپلماسی دولت اصلاحات در جهان عرب سال ۱۳۸۰»، از جمله تألیف‌های سیدمحمد صدر در سال‌های اخیر است.

منبع: ایسنا

politics@sharghdaily.ir

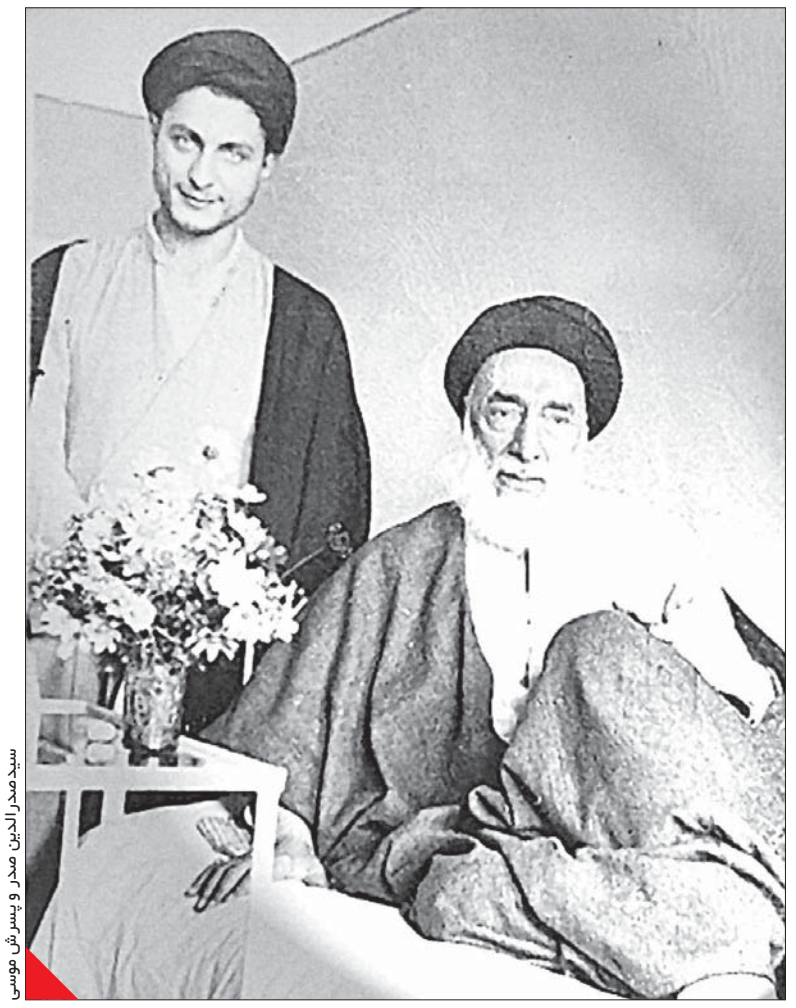

سیدصدرالدین صدر و پسرش موسی

خاندان صدر بین دو انقلاب

ادامه از صفحه ۶

او از طرفی حامی نواب صفوی و فدائیان اسلام بود. محمدمهدی عبدخدایی در گفت‌وگویی با شماره ۳۶ مجله «شاهد یاران»، آبان ۱۳۸۷ ضارب دکتر حسین فاطمی می‌گوید: «او-مرحوم سیدعبدالحسین واحدی- پیشنهاد کرد که من فاطمی را با تیر بزنم. گفتم اجازه گرفته‌اید؟ گفت ما از آیت‌الله‌العظمی صدر اجازه‌هایمان را می‌گیریم». عبدخدایی ادامه می‌دهد: «بعد از اینکه من فاطمی را ترور کردم، پدرم-مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالحسین تبریزی- در نامه‌ای به آیت‌الله‌العظمی صدر نوشت: «شما که چنین فتواهایی به بچه‌های مردم می‌دهید، آیا به بچه‌های خودتان هم چنین فتواهایی می‌دهید». البته پدرم این کار را از روی علاقه پدری‌اش کرد..». این سخنان را بعدها بازماندگان و بستگان فدائیان اسلام تکرار کردند؛ اما این گفته را آیت‌الله سیدمرتضی مستجابی رد می‌کند: «این خلاف است. گوینده خلاف می‌گوید. می‌گوید پدرش نامه‌ای نوشته است. آخر این نامه کجاست؟ چرا خلاف می‌گویید؟». محسن کمالیان، صدرپژوه، در کتاب «صدر دین» می‌نویسد من این نکته را با چهار نفر در میان گذاشتم؛ آیت‌الله سیدمرتضی مستجابی، سیدهادی خسروشاهی، سیدصادق طباطبایی و سیدکاظم صدر؛ اما هر چهار نفر این نکته را تکذیب کردند. می‌گویند آیت‌الله العظمی صدر از ابوالقاسم کاشانی حمایت می‌کند و اما فرزندش آقاسیدموسی به گرایش‌های مصدقی‌بودن شهره بود.

● **نیمه دوم محمدرضا پهلوی و دهه اول جمهوری اسلامی**

حکومت‌داری در نگاه محمدباقر صدر

عراق؛ شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۳۱۳ تا ۱۳۵۹): فرزند آیت‌الله سیدحیدر صدر، از بزرگ‌ترین فقها و رهبران شیعه عراقی است. با پسرعمویش امام موسی صدر دروس خارج و اسفار را مباحثه می‌کرد. علمای زیادی شاگردش بودند محمدباقر حکیم، سیدکاظم حائری‌شیرازی، سیدنورالدین اشکوری، سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی. او در کنار اشتغالات علمی و در سیاست فعال بود. از فقیهانی بود که مبنای فکری‌اش بر پایه حکومت اسلامی بود. او زمانی این اندیشه را در سر داشت که هنوز امام خمینی نهضت اسلامی را در ایران آغاز نکرده بود. نوع نگاهش به حکومت اسلامی با افزایش مطالعه و تجربه‌اش زیاد شد. ابتدا اعتقاد داشت که حکومت در زمان غیبت باید براساس «شورا» اداره شود. بعد به نظریه «ولایت فقیه» روی آورد. در آخرین سال‌های زندگی از این نظریه عدول کرد و ترکیبی از شورا و ولایت فقیه را مطرح کرد. از همکاران فعال گروه «جماعه العلما» بود که در ۱۹۶۰ از سوی آیت‌الله‌العظمی شیخ مرتضی آل‌یاسین و برخی علمای نجف علیه اقدامات چپ‌گرایانه عبدالکریم قاسم برپا شد. سرمقاله‌نویس و از نویسندگان فعال مجله «الاضواء الاسلامیه» ارگان این گروه بود. در سال ۱۹۵۷ با برخی از علما و فعالان سیاسی عراق «حزب الدعوه الاسلامیه» را بنیان گذاشت. هدف این حزب ساماندهی تدریجی نهضت اسلامی شیعیان عراق علیه رژیم بعثی حاکم بر آن کشور و نهایتا تشکیل حکومت اسلامی بود. پنج سال در جایگاه رهبری حزب فعالیت کرد. بعدا به توصیه آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم از حزب کنار کشید. حکیم شأن او را فراتر از عضویت در یک حزب خوانده بود. بعدها خود نیز به این نتیجه رسید که دستگاه مرجعیت باید از حرکت حزبی جدا باشد. از فتاوای سیاسی معروف او تحریم عضویت در حزب بعث عراق بود. چندین بار به وسیله رژیم بعث بازداشت شده بود. از داعیان تقریب اسلامی بود. از حرکت سیاسی اجتماعی امام موسی صدر در احیای هویت شیعیان لبنان حمایت و روش وی را در گفت‌وگو و دوستی با مسیحیان تأیید کرد. پس از فوت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم ابتدا مروج مرجعیت آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خویی بود. با سرعت‌یافتن تحولات انقلاب اسلامی از امام خمینی حمایت کرد. او در اعلامیه‌ای حامی مطلق انقلاب ایران بود. شب پیروزی انقلاب در مسجد جوهری نجف به منبر رفت و مردم عراق را علیه بعث عراقی خواند. در آن دوره درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی، اقتصاد جامعه اسلامی و منابع قدرت و حکومت نوشت. عده‌ای می‌خواستند محمدباقر صدر از عراق خارج شده و به ایران بیاید؛ امام خمینی و خودش معتقد بودند که خروج از عراق مصلحت نیست. مدتی بعد منزل سیدمحمدباقر صدر حدود ۹ ماه محاصره و خروجش از منزل ممنوع شد. او در ۴۵ سالگی در بغداد از سوی مأموران صدام به شهادت رسید و مخفیانه در قبرستان وادی‌السلام نجف به خاک سپرده شد. سال‌ها بعد محل دفنش تغییر یافت و سرانجام بار دیگر در همان قبرستان وادی‌السلام جای گرفت. ۲۳ سال بعد از فوت او، حکومت بعث در همان روز نهم آوریل، روز تولد سیدمحمدباقر صدر، از سوی نیروهای ائتلاف سقوط کرد.

لبنان؛ امام موسی صدر: معروف‌ترین چهره خاندان صدر، روحانی اهل سیاست و فعال اجتماعی که چندروز از شهریور ۱۳۵۷ می‌گذشت که خبر ربوده‌شدنش منتشر شد. این دومین سفر او به لیبی بود. اولین ملاقاتش با سرهنگ معمر قذافی به دعوایی ختم شد و این‌بار به معمایی فراموش‌نشدنی. دعوا بر سر کتاب سبزرنگی بود که قذافی منتشر کرده بود و «نهایتا وحی را انکار می‌کرد». این‌بار «هواری بومدین»، چهارمین رئیس‌جمهور الجزایر، اصرار داشت ملاقات امام‌موسی صدر با قذافی می‌تواند برای حل مسئله لبنان و فلسطین مفید باشد. قرار بود در این سفر صادق طباطبایی و صادق قطب‌زاده او را همراهی کنند، اما امام‌موسی صدر می‌خواست بیستم آگوست به لیبی سفر کند. روز سوم شهریور، امام‌موسی صدر به‌همراه محمد یعقوب، از روحانیون خوش‌فکر لبنانی و عباس بدرالدین، روزنامه‌نگار و مدیر خبرگزاری لبنان، وارد لیبی می‌شوند و در فرودگاه، رئیس دفتر ستاد سیاست خارجه از آنها استقبال می‌کند و برای اقامت، به هتل الشاطی می‌روند، اما این سفر متفاوت از دیگر سفرهای خارجی آقای صدر بود، «وی از روز اول هیچ ارتباطی با جهان خارج نداشت». این حوادث در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ بود و هشت روز بعد میدان ژاله در ایران به خون نشست؛ و دو ردیف مسلسل، صف جلو راهپیمایان را بر زمین ریخت. ربوده‌شدن موسی صدر، روحانی شیعه لبنانی، به معمایی با راه‌حل «ناممکن» تبدیل شده و تا به امروز پاسخ مشخصی نداشته؛ اگرچه در همه دوره‌های تاریخ انقلاب اسلامی سرنوشتش از مسائل مورد توجه بوده؛ هم در دولت موقت، هم در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای و هم در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یا در دوره دولت اصلاحات. این معمای تلخ برای خاندان صدر و هوادارانش بی‌جواب مانده است تا اینکه قذافی سقوط کرد و بخشی از راز معما را با خود به خاک برد، اما مهم‌ترین هدف موسی صدر نزدیکی مذاهب به همدیگر بود. امام موسی صدر دستگاه معادلات سیاسی حاکم بر لبنان را با همه جزئیات و ظرایف آن به‌طور کامل درک کرده بود. صدر بازیگران منطقه‌ای و جهانی مؤثر در حیات اجتماعی- سیاسی لبنان را کاملا می‌شناخت.

اصفهان؛ سیدحسین خادمی (۱۲۸۰ تا ۱۳۶۳): از بزرگ‌ترین فقهای اصولی شهر اصفهان، رئیس حوزه علمیه این شهر و امام‌جماعت اصفهان بود. نزد میرزای‌نائینی، آقا ضیا عراقی و سیدابوالحسن اصفهانی تلمذ کرده و شاگردانی چون ابراهیم امینی، مرتضی مقتدایی و حسن دیباجی دارد. تا آخر عمر از انتشار رساله عملیه خودداری کرد. اهل مداخله در سیاست بود و علیه رژیم پهلوی مبارزه می‌کرد. اصفهان تحت رهبری خادمی و طاهری اولین شهری بود که حکومت نظامی در آن برپا شد. همواره در سیاست میانه اعتدال را رعایت می‌کرد. در اولین سال‌های پس از انقلاب صریحا با پاره‌ای از تندروی‌ها به مخالفت برخاست. در ۸۳ سالگی در اصفهان درگذشت و در حرم امام رضا دفن شد. یکی از مهم‌ترین خصوصیات سیدحسین خادمی، حضور فعال او در عرصه سیاست بود. او اوایل انقلاب با برخی از طرفداران آیت‌الله طاهری و آیت‌الله منتظری اختلاف داشت. پرهیز و بلکه گریز پیوسته او از تصدی مسئولیت مرجعیت دینی، یکی دیگر از خصوصیات مهم شخصیتی وی بود.

تهران و قم؛ رضا صدر (۱۳۰۰ تا ۱۳۷۳): فرزند آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین صدر، از جامع‌ترین فقهای اصولی و مدرس حوزه علمیه قم است. او در مشهد به دنیا آمد. دروس اجتهادی را نزد پدر خود و آیات عظام سیدمحمد بهجت و سیدمحمد داماد فراگرفت. فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی خواند و شاگردان بی‌شماری داشت. هنگام ضرورت در سیاست دخالت می‌کرد. او نگاه اسلام به جامعه و مردم را نگاهی اخلاقی و رحمانی می‌خواند. برادر بزرگ امام موسی صدر در شب پنجم تیر سال ۱۳۴۶ ش راهی تهران شد و برای مدت ۱۰ سال در این شهر رحل اقامت افکند. سیدرضا از بدو ورود به تهران مسئولیت اقامه نماز جماعت را در مسجد امام حسین(ع) برعهده گرفت. سیدرضا هرگز در هیچ‌یک از مقاطع زندگی با هیچ‌کدام از نهادهای «قدرت» و «حکومت» همکاری نکرد، اما درعین‌حال همواره از مخالفان جدایی دین از سیاست و در مواقع ضرورت حتی خود از فعالان عرصه‌های مبارزه بود. او در دوران مبارزات نهضت ملی نفت از حامیان آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق بود، اگرچه هرگز به ملیون گرایش پیدا نکرد. در دیدار پاییز سال ۱۳۳۲ خود با آقایان سیدعبدالحسین واحدی و عبدخدایی، ضمن تشویق کاندیداتوری نواب‌صفوی در انتخابات مجلس هجدهم از قم تأکید کرد: «تمام اطراف قم مقلدین پدر من هستند؛ من اطراف قم را حاضر می‌کنم که رأی بدهند». وقتی آیت‌الله‌العظمی سیدصادق روحانی، هم‌زمان با اولین سفر عبدالسلام جلود، نخست‌وزیر وقت لیبی، به تهران، ایده بازداشت و معاوضه او با امام صدر را به مسئولان ارشد وقت کشور پیشنهاد کرد، سیدرضا خواست تا جزئیات روند پیگیری را به خود مسئولان واگذارد؛ اگرچه خیلی از این پیگیری‌ها راضی نبود.

دهه دوم جمهوری اسلامی ایران تا امروز:

لبنان؛ رباب صدر (۱۳۲۳-): فرزند آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین موسوی‌عاملی است و فعال‌ترین زن معاصر شیعه در عرصه اجتماع. در قم به دنیا آمد و زمستان سال ۱۳۴۰ همراه خواهر بزرگ‌تر خود، سیده‌فاطمه صدر، به لبنان رفت و بنا بر تقاضای برادرش امام‌موسی صدر، نزد او ماند. با استقرار در لبنان، مسئولیت امور بانوان در جمعیت خیریه «البر و الاحسان» از سوی برادر به او واگذار شد. «ابتدا بیت‌الفتاه» را زیر نظر برادر در شهر صور برپا کرد و با راه‌اندازی بخش‌های خیاطی و قالی‌بافی، بانوان جویای کار را پس از آموزش به شرایط خودکفایی اقتصادی رساند. بعدها نهادهای دیگری مانند خیریه «الزهرا»، مدرسه عالی پرستاری و مؤسسه فرهنگی «مدینه الزهرا» را در بیروت با کمک امام صدر برپا کرد. بعد از ربوده‌شدن امام صدر در سال ۱۳۵۷ و ویرانی لبنان بر اثر تجاوزات اسرائیل در دهه ۶۰، نهادهای تأسیس‌شده را در چارچوبی رسمی با نام «جمعیت مؤسسات امام‌موسی صدر» بازسازی و سازماندهی مجدد کرد و مدیریت عالیه آن را بر عهده گرفت. او در سال ۱۹۹۳ نشان ملی «ارز» را از رئیس‌جمهور وقت لبنان دریافت کرد و در سال ۲۰۰۰ نیز کوفی عنان، دبیر وقت سازمان ملل، تقدیرنامه‌ای به او داد.

عراق؛ شهید سیدمحمد صدر (۱۳۲۲ تا ۱۳۷۷): فرزند آیت‌الله سیدمحمدصادق صدر است. دروس اجتهادی خود را عمدتا نزد آیات عظام سیدمحسن حکیم، امام خمینی، سیدابوالقاسم خویی و شهید سیدمحمدباقر صدر گذراند. اهل دخالت در مسائل اجتماعی و سیاسی بود. در تفکر و روحیه انقلابی از امام خمینی(ره) تأثیر گرفته بود. آرزویش تشکیل حکومت اسلامی در عراق بود. اتحاد اسلامی میان شیعه و اهل سنت را از مهم‌ترین واجبات روزگار می‌دانست. تقیه و سازش با بی‌عدالتی را به بهانه مصلحت جایز نمی‌دانست. بعد از درگذشت آیت‌الله‌العظمی خویی در سال ۱۹۹۲، حکومت صدام او را مرجع رسمی شیعیان عراق خواند و اداره حوزه علمیه نجف را به او سپرد. او به‌صراحت فتوا داده است: «دعا برای هیچ بشری غیر از معصوم در نماز جایز نیست». در ۵۵سالگی همراه دو فرزندش، سیدمصطفی و سیدمؤمل، در عملیاتی تروریستی در نجف به دست عوامل صدام به شهادت رسید و در همان شهر به خاک سپرده شد. پس از سیدمحمدباقر صدر، به «شهید صدر ثانی» شهرت یافت.

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۳

هاشمی‌شاهرودی، جانشین هاشمی‌رفسنجانی

یک جلسه آقای موسوی و آقای هاشمی را به قوه قضائیه دعوت کردیم. آقای موسوی برای تظاهرات اعلامیه داده بود. گفتم آقا! این‌کار را نکنید و از این کار دست بکشید. گفتم اگر به نتایج انتخابات اعتراضی دارید، آقا قبول دارند و هیئتی را برای بررسی معین می‌کنند. گفت شرط لغو بیانیه این است که به من اجازه بدهند در صداوسیما صحبت کنم. گفتم می‌شود این کار را کرد. به دفتر آقا زنگ زدم. آقای جلیلی تازه دبیر شورای امنیت شده بود. به ایشان هم زنگ زدم و گفتم ایشان چنین شرطی دارد. گفتند ما ترتیب کار را می‌دهیم. گفتم باید به صداوسیما بگویید که زمان بگذارند که ایشان صحبت کند. بعد گفتم آقایان با شرط شما موافق‌اند، شما هم تظاهرات را لغو کنید. آنجا پیش ما قول داد این کار را بکند و آنها هم واقعا حاضر بودند که به ایشان برای صحبت در تلویزیون وقت بدهند، اما از پیش ما که رفت، نمی‌دانم کدام خنّاسان ذهنش را عوض کردند و کار خودشان را کردند».

درباره وضعیت جسمانی آیت‌الله شاهرودی در یکی، دو سال اخیر خبرهای مختلفی منتشر شده است. او اردیبهشت‌ماه گذشته در بیمارستان بستری بود. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان اما در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، در واکنش به خبرهای منتشرشده درباره وضعیت سلامتی آیت‌الله سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، عضو شورای نگهبان، گفته بود: به همراه آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان از ایشان عیادت کردیم و احوالشان مساعد بود. درحال‌حاضر هم مشکلی وجود ندارد و ایشان به‌زودی از بیمارستان مرخص خواهد شد». دفتر آیت‌الله سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی هم در اطلاعیه‌ای اعلام کرده بود: «به اطلاع امت حزب‌الله و همه ارادتمندان و شاگردان حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی‌شاهرودی دام‌ظله می‌رساند عمل جراحی معظم‌له به لطف خدا و دعای خیر ملت شریف ایران با موفقیت کامل انجام شده و به فضل الهی ایام کوتاه نقاهت، به سرعت طی خواهد شد و معظم‌له با سلامت کامل در میدان علم و سیاست حضور خواهند یافت. بدیهی است شایعات منتشره در فضاهای مجازی که بعضا با مقاصد سوء همراه است، هرگز اساسی نداشته و ندارد».